

آسیب های اجتماعی کودکان کار

اعظم صفری رودبار

کارشناسی علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

Email: azam safarirodbar1402@gmail.com

چکیده

یکی از معضلاتی که امروزه کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه با آن مواجه هستند، پدیده کودکان خیابانی و کودکان کار است که یکی از آزاردهنده ترین مسائل شهری به حساب می آید، به همین منظور هدف این پژوهش آسیب های اجتماعی کودکان کار می باشد، در این تحقیق براساس تحقیقات پیشین علل کودکان کار و پیامدهای منفی و بخصوص آسیب هایی که بر کودکان وارد می شود شناسایی گردید و در آخر پیشنهادهای جهت کاهش این پدیده ارائه گردید.

کلمات کلیدی: آسیب های اجتماعی، کودکان کار، مدیریت شهری، شهرداری

مقدمه:

یکی از معضلاتی که امروزه کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه با آن مواجه هستند، پدیده کودکان خیابانی و کودکان کار است که یکی از آزاردهنده‌ترین مسائل شهری به حساب می‌آید. این کودکان معمولاً گل می‌فروشند، فال می‌گیرند یا در پیاده‌رو نزدیک مراکز خرید، به فروشندگی مشغول هستند. حمایت از کودکان کار آمار کودکان کار در ایران نشان می‌دهد که تقریباً ۴۰۰ هزار تا یک میلیون کودک وجود دارد که به کار مشغول هستند. همچنین آمارها نشان می‌دهد که از این تعداد حدود ۲۰ هزار کودک کار در تهران وجود دارند. ویژگی کودکان خیابانی این است که در فقر زندگی می‌کنند و تغذیه، سلامت جسمی و روحی آن‌ها اصلاً خوب نیست (قادری و همکاران، ۱۳۹۵).

کودکان کار چه بچه‌هایی هستند؟

کودکان کار افرادی هستند که از سنین پایین وارد مشاغل مختلف می‌شوند. ممکن است این کودکان به دستفروشی، گلفروشی و... مشغول باشند. حتی این کودکان در کارگاه‌های غیرمجاز به کار گرفته می‌شوند. کودکان کار به طور منظم کار می‌کنند. این بدان معناست که آن‌ها فرصت بازی، یادگیری و رشد مانند کودکان عادی را ندارند. کار کودکان در قوانین بسیاری از کشورها یک فعالیت استثماری است.

آمارها نشان می‌دهد که سالانه ۱۲۰ میلیون کودک کار وارد این چرخه می‌شوند. حدود ۶۰ درصد آن‌ها در آسیا، ۳۰ درصد در آفریقا و بقیه در سایر قاره‌ها کار می‌کنند. کار کودکان علل مختلفی دارد و باید از جنبه‌های مختلف آسیب‌شناسی بررسی شود. اما این مطالعات نظری به تنهایی نمی‌تواند مشکل را حل کند. رفع مشکل و حمایت از کودکان بی‌سرپرست نیازمند راه-حل‌های عملی و کمک‌های مردمی است (ایمانی و همکاران، ۱۳۸۶).

یکی از معضلاتی که امروزه کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه با آن مواجه هستند، پدیده کودکان خیابانی و کودکان کار است که یکی از آزاردهنده‌ترین مسائل شهری به حساب می‌آید. این کودکان معمولاً گل می‌فروشند، فال می‌گیرند یا در پیاده‌رو نزدیک مراکز خرید، به فروشندگی مشغول هستند. حمایت از کودکان کار

آمار کودکان کار در ایران نشان می‌دهد که تقریباً ۴۰۰ هزار تا یک میلیون کودک وجود دارد که به کار مشغول هستند. همچنین آمارها نشان می‌دهد که از این تعداد حدود ۲۰ هزار کودک کار در تهران وجود دارند. ویژگی کودکان خیابانی این است که در فقر زندگی می‌کنند و تغذیه، سلامت جسمی و روحی آن‌ها اصلاً خوب نیست. در ادامه به نحوه حمایت از کودکان کار می‌پردازیم.

کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند که این امر آن‌ها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آن‌ها را تهدید می‌کند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیتی استثماری تلقی می‌شود.

کار کودکان بسیار معمول است و می‌تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی‌گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد. ناپذیرفتنی‌ترین شکل‌های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن‌فروشی کودکان است. موارد کم‌تر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت‌ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان می‌باشد.

کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشت اما با آغاز سوادآموزی همگانی و تغییراتی که در شرایط کار طی صنعتی شدن به وجود آمد و ظهور مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت. کار کودکان همچنان در جاهایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد.

بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO)، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی می‌شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آن‌ها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. قاچاق انسان از راه‌های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. به جز کارگری برده‌وار، روسپی‌گری و فروش اعضای بدن کودکان، از دیگر سرنوشت‌های کودکان قاچاق است

موضوع کودکان کار موضوع نسبتاً پیچیده ای است و عوامل گوناگونی در آن اثر گذار هستند. از جمله: ساختار خانواده، فقر، تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ و ... (که منجر به مهاجرت به کشورهای همسایه برای کار با دستمزد بیشتر می شود) و هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می برند. این کودکان می توانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه ای اعم از سارقین یا باندتهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه های فساد و ... قرار گیرند. و همچنین عدم بهره گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می کند.

پدیده کودکان کار و خیابانی یکی از معضلات گریبانگیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است. کودکان کار - به موازات افزایش و گسترش پدیده کودکان کار در سطح جهان، بویژه در جوامع در حال توسعه و پیگیری سازمانهای بین المللی و ملی مختلف درباره مسئله کودکان کار تحقیقات و مطالعات مختلفی صورت گرفته است. امروزه کار کودکان بیشتر در کشورهای در حال توسعه جهان رواج دارد، جائیکه میلیونها کودک در سنین پایینی (۱۴-۵) با هدف امرار معاش خود و خانواده خود به کار مشغول هستند.

کار کودکان ممکن است شکل عادی کارمزد و در کارخانه ها، معادن، مزارع و بخشهای خدماتی را داشته باشد، و یا ممکن است بصورت آزاد و کسب و کار خیابانی باشد. کار آنها ممکن است نیمه وقت یا تمام وقت و فصلی یا کارگر دائم باشد. ممکن است این کودکان دستمزد خود را بصورت جنسی یا پولی بگیرند، یا اساساً کارکن خانوادگی بی مزد باشند. عده ای اصلاً مزد نگیرند و تنها برای سرپناه و محلی جهت حمایت یا برای غذایی بخور و نمیر کار کنند. (ریس دانا، ۱۳۸۲، ص ۲۳۲) کودکان کار شامل کودکانی است که بیش از رسیدن به سن قانونی کار تا گزیر وارد بازار کار می شوند و کار زود رس آنها مانع رشد طبیعی اجتماعی و روانی و جسمانی آنها شده است.

کار کودکان جنبه های منفی اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی در بردارد. این کار مانع افزایش جدی مهارتها، آموزش و دانش می شود، بهره وری افت می کند، درآمدهای بیمه اجتماعی کاهش پیدا می کند، صدمه های جانی و مالی بالا می رود، انواع آسیبهای اجتماعی شامل سوء استفاده جنسی، اعتیاد، خرده فروشی مواد مخدر، بزهکاری کودکان و نوجوانان افزایش پیدا می کند، مهاجرتها بدلیل امکان کار کردن کودکان به گونه ای زیانبار و آسیب رسان بالا می رود.

دردنیای امروز کشورهای زیادی هستند که در آنها کودکان به کار تمام وقت یا نیمه وقت و اغلب در شرایط توان فرسا، اشتغال دارند. کودکان حقوق مشخصی دارند و استفاده از کار کودک از نظر اخلاقی زنده و تجاوز آشکار به حقوق آنها محسوب می شود. چه بسا نتیجه کار کودک، محرومیت از تحصیل، لطمه های اجتماعی و بیماریها و اختلال رشد جسمی و روانی می باشد. بنابراین ضرورت توجه به مسئله کار کودکان را می توان چنین بیان کرد

در ایران نیز تعداد کودکان کار به دلایل گوناگون رو به افزایش است اما آمار دقیقی در مورد کودکان کار وجود ندارد. بیش از ۲۰ هزار نفر کودک کار در تهران تایید شده است. در آمار تخمینی سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۵ بیش از ۴/۷۱ درصد کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران از لحاظ اقتصادی فعال هستند.

براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ بیش از ۴ درصد جمعیت شاغل کشور را گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال تشکیل می دهند بر اساس این همین آمار جمعیت شاغل کشور ۱۴/۵ میلیون نفر بوده است که ۴ درصد آن در حدود ۶۰۰ هزار نفر می شود. در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۸۰ هزار کودک در سن ۱۰ تا ۱۴ سال در سراسر کشور کار ثابت داشته است (روزنامه اعتماد ملی)

آسیب پذیری کودکان در برابر کار:

کار کودک تا حد زیادی از نشانه های فقر است. این امر در سطح ملی کاملاً آشکار است، چون اطلاعات گسترده سراسری در سطح کشورها نشان می دهند که کار کودک بیش از همه در کشورهایی شیوع دارد که درآمدها در پایین ترین سطح ممکن قرار دارند.

ارتباط معکوسی که میان میزان شیوع کار کودک و سطح درآمدها وجود دارد در نمودار زیر نشان داده شده است که در آن نرخ شیوع کار کودک در برابر سرانه تولید ناخالص داخلی ۸۴ کشور رو به توسعه ترسیم شده است. شیب منحنی این نمودار به سمت پایین است و تا سرانه تولید ناخالص داخلی حدود ۴۰۰۰ دلار شیب بسیار تندی هم دارد و این به معنای آن است که تفاوت‌های جزئی در سرانه تولید ناخالص داخلی با تفاوت‌های عمده در میزان شیوع کار کودک در ارتباط هستند. در مجموع، خط روند این نمودار تفاوت حدوداً ۵۱ درصدی در میزان شیوع کار کودک را در میان کشورهای مورد مطالعه توجیه می‌کند. اما فقر بی‌تردید تنها علت کار کودک نیست و بنابراین بعید است سیاست‌های واکنشی‌ای که تنها بر کاهش فقر متمرکزند بتوانند به موفقیت برسند. مثلاً در نمودار شماره ۱ بیشتر نوساناتی که در میزان شیوع کار کودک مشاهده می‌شوند تنها با میزان درآمد توجیه‌پذیر نیستند. در هر سطحی از متوسط درآمد، ممکن است تغییراتی وسیع در میزان کار کودک مشاهده شود. بنابراین روشن است که در این میان — گذشته از درآمد پایین — عوامل دیگری هم در کارند.

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. این کودکان می‌توانند به راحتی بازپچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندتهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فساد و... قرار گیرند. و همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می‌کند.

تأثیرات اقتصادی - اجتماعی کار کودکان:

سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می‌شود که کودکان را مورد استثمار قرار می‌دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می‌کند و فقر و تهیدستی را افزایش می‌دهد. کودکان را از دستیابی به دانش و مهارت کافی باز می‌دارد و در نتیجه بهره‌وری نیروی کار را در جامعه کاهش می‌دهد. آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر... افزایش می‌یابد و در نتیجه سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می‌گردد. (قاسم زاده، فاطمه کار کودکان چالش‌ها و راهکاره).

عوامل کار کردن کودک

کار کودک تا حد زیادی از نشانه‌های فقر است. این امر در سطح ملی کاملاً آشکار است، چون اطلاعات گسترده سراسری در سطح کشورها نشان می‌دهند که کار کودک بیش از همه در کشورهایی شیوع دارد که درآمدها در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارند.

در کنار فقر، عواملی همچون اعتیاد والدین، طلاق، کودک‌آزاری، فرار از خانه و... می‌تواند باعث بستری شود که کودک بجای بازی و سرگرمی و تحصیل به سمت اشتغال برود.

نقش اعتیاد والدین در کودکان کار

در بعضی موارد مشاهده شده است که والدین با توجه به اعتیاد شدید به مواد مخدر دیگر قادر به کار کردن و تأمین زندگی خانواده خود نمی‌باشند که این امر موجب می‌شود تا این افراد با تحت فشار قرار دادن و اغفال فرزندان خود بالاخص کودکان که از احساسات بمراتب بیشتری برخوردارند آنها را مجاب به کار کردن و تأمین خانواده و همچنین تأمین موادمخدر خود می‌کنند.

نقش طلاق در کودکان کار

والدین بدون آنکه به این موضوع فکر کنند که چه بر سر کودکان خود می‌آورند اقدام به جدایی می‌کنند، این جدایی می‌تواند تبعات خیلی بدی برای کودکان داشته باشد از جمله کشیده شده آنها به سمت اعتیاد، پرخاشگری، اختلالات روانی و... اما یکی از مواردی که شاید خیلی کم به آن توجه می‌شود، این است که مادر و یا پدر بعد از جدایی هر کدام هضانت فرزندان خود را به عهده بگیرند، با توجه به مشکلات بسیاری که برای تأمین معاش دارند، ناخودآگاه فرزندان خود را به سمت اشتغال در جامعه سوق می‌دهند، اشتغال‌هایی مثل دستفروشی.

بعضاً دیده شده مادری به دلیل اعتیاد پدر طلاق می گیرد و فرزندان خود را با خود می برد تا آنها دچار این معضل نشوند اما نمی دانند که گاهی همین مسئله موجب گرویدن کودکان به اعتیاد می شود به طوری که وقتی مادر قادر به تأمین معاش نمی شود، فرزند برای اینکه کمبودها را جبران کند دور از چشمان مادر بعد از مدرسه چند ساعتی به بهانه های مختلف اقدام به دستفروشی و یا واکس زدن در خیابان و.. برای کمک خرج شدن می کند که همین امر نیز با توجه به عدم آگاهی کودک در جامعه و خطرات آن، موجب می شود تا کودک با اغفال سودجویان به سمت خلاف از جمله اعتیاد برود (یزدانی و همکاران، ۱۴۰۱).

قوانین مربوط به کار کودکان

در ایران و جهان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ تعریفی از کودک و حقوق مربوط آن، به عمل نیامده است. تنها در اصل ۲۱ این قانون اشاره‌های به کودکان بیسرپرست شده است. مفاد اصل ۲۱ قانون اساسی به شرح ذیل است: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲. حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بیسرپرست. همچنین در قوانین ایران طبق ماده ۷۹ قانون کار: به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (پسر و دختر) ممنوع است. کارفرمایی که افراد کمتر از ۱۵ سال را به کار بگمارند، مستوجب مجازات خواهند بود. ضمناً باید کودکان را به کاری گماشت که برای وی زیان‌آور نباشد. البته طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آنها منحصراً توسط صاحب کار، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک انجام می‌شود، مشمول مقررات قانون کار نمی‌باشد. از سوی دیگر، ماده ۸۰ قانون کار، کارگری را که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارد، کارگر نوجوان می‌نامد و تأکید می‌ورزد که چنین کارگری در بدو استخدام باید از سوی سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایشهای پزشکی قرار گیرد. ماده ۸۲ قانون کار، ساعات کار روزانه کارگر نوجوان را نیم ساعت کمتر از ساعت کار معمولی کارگران تعیین می‌کند و ترتیب استفاده از این امتیاز را موکول به توافق کارگر و کارفرما می‌سازد. در ماده ۸۳ قانون کار به تأکید آمده است: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز، استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگر نوجوان ممنوع است» و سرانجام ماده ۸۴ قانون کار یادآور می‌شود: «در ارتباط با مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن و یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود (نه ۱۵ سال) تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است. در قوانین جهانی مربوط به حقوق کودکان؛ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ به اتفاق آراء پیمان نامه حقوق کودک را تصویب کرد. ماده ۳۲ این پیمان نامه، دولت‌های عضو را موظف نموده است با هرگونه سوءاستفاده و بهره‌کشی اقتصادی از کودکان مقابله نموده و زمینه‌های رشد ذهنی، جسمی، روانی، و اجتماعی تمام کودکان را فراهم کند.

پیماننامه حقوق کودک و کنوانسیون ۱۳۸ «مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۷۳ و کنوانسیون ۱۸۲» مصوب ژوئن ۱۹۹۹ از اقدامات مؤثر بین‌المللی بوده است. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ چهاردهم مهرماه سال ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد و در اسفند سال ۱۳۷۳ مفاد پیماننامه به تصویب مجلس اسلامی رسید. همچنین ایران در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۸ مقاله نامه شماره ۱۸۲ حقوق بنیادین کار پیوسته است (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۱).

پیشینه کار کودکان و نوجوانان

از زمانی که بشر پا به عرصه وجود گذاشته، جهت ادامه حیات مجبور به فعالیت و کار بوده است. در ادوار و ملل مختلف، این امر در اشکال گوناگون ظاهر گشته است. از صید و کار در بنادر و زمین‌های کشاورزی به عنوان ابتداییترین شکل آن گرفته تا اشتغال در کارهای صنعتی را میتوان در این خصوص نام برد. متأسفانه در تمام دوره‌های مذکور، این کودکان و نوجوانان بوده‌اند

که مورد استثمار قرار گرفته و با برخورداری از حداقل حقوق و مزایا و امکانات مجبور به انجام کارهای بسیار سخت و طاقتفرسا بوده که حتی از توان آنها بسیار فراتر بوده است (بیگل، ۲۰۱۰).

در ایران و در دوران هخامنشی برای نوجوانان اعم از پسر و دختر محدودیتی وجود نداشت و آنها در برخی از کارها با زنان و مردان مشارکت و همکاری می‌نمودند اما سالها بعد، یعنی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی به واسطه وضعیت ناگوار دختران و پسران شاغل در کارگاه‌های بافندگی قالی در کرمان، والی ایالت کرمان و بلوچستان به درخواست دولت، فرمان زیر را در جهت حمایت از کارگران کودک و نوجوان صادر نمود که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

«۳- پسران کمتر از ۸ سال و دختران کمتر از ۱۰ سال نمی‌توانند در این کارگاه‌ها به کار مشغول شوند.

۴- کارگاه پسران از کارگاه دختران باید مجزا باشد. تشکیل کارگاه‌های مختلط اکیداً ممنوع است.

۵- در کارگاه دختران، زنان می‌توانند به عنوان سرکارگر به کار بپردازند. در این کارگاه کار کردن مردان به عنوان سرکارگر مطلقاً ممنوع است

۸- کارگاه (دار) قالی باید در حدود یک ذرع از کف کارگاه بالاتر باشد و جایگاه کارگران به نحوی تعبیه گردد که کودکان بتوانند به راحتی کار کنند»

اثرات منفی کار کودکان

یونیسف در سال ۱۳۶۵ مشخص کرد که کار کودک در این موارد جنبهٔ استثمارگرانه دارد ۱- کار تمام وقت در سن بسیار کم؛ ۲- ساعتهای بسیار زیاد صرف کار کردن شود؛ ۳- کاری که فشار نامناسب جسمی و روانی اجتماعی بگذارد؛ ۴- کار در شرایط نامناسب و زندگی در خیابان؛ ۵- مزد ناچیز؛ ۶- کار همراه با مسئولیت بیش از حد؛ ۷- کاری که مانع تحصیل شود؛ ۸- کاری که شرف و عزت نفس کودکان را نابود کند مانند بردگی و بهره‌کشی جنسی؛ ۹- کاری که برای رشد کامل اجتماعی و روانی زیانبار باشد.

از این رو، نه تنها کار کردن مانع ادامهٔ تحصیل کودکان و باز ماندن ایشان از حرکت موازی با همسالان خود می‌شود، بلکه، روی سلامت جسمی و بهداشت روانی آنها نیز تأثیر منفی می‌گذارد. کودکان به دلیل اندام ضعیف خود بیش از بزرگسالان در مقابل آسیبها و بیماریهای ناشی از کار آسیب‌پذیرند و به دلیل سن کم، از خطرهای برخی کارها آگاهی ندارند و یا آگاهی کمی دارند. در نتیجه، تعداد زیادی از کودکان و در برخی کشورها، تقریباً، دوسوم آنها در معرض خطر جدی قرار دارند. بسیاری از کودکان با بیماریهایی مانند زخمها، شکستگیها یا قطع عضو، سوختگی و بیماریهای پوستی، آسیبهای بینایی و شنوایی، بیماریهای تنفسی و گوارشی، تب، سردرد ناشی از کار در محیطهای گرم و ... روبه‌رو هستند. بر این اساس بر پایهٔ آمارهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۵ به طور متوسط در هر سال ۲۲ هزار کودک در اثر آسیبهای کار می‌میرند.

کودکان کار علاوه بر آسیبهای جسمی با آسیبهای غیرجسمی که معمولاً برگشت‌ناپذیرند نیز روبه‌رو می‌شوند، برای مثال، کودکان کارگر از بعد رشد شناختی دچار ضعف هستند و برای همین نمی‌توانند از آموزش و پرورش برخوردار گردند و حتی در بعضی توانایی‌ها مانند محاسبات ریاضی ضعیف عمل می‌کنند. رشد عاطفی کودکان نیز در اثر کار در شرایط سخت روانی مختل می‌گردد و احساساتی مانند عزت نفس کافی، دلبستگی خانوادگی و احساس عشق در آنها لطمه می‌بیند. این برنامه‌ریزی، دلهره همیشگی نسبت به حوادث و خطرات دارند (باسیو، ۱۹۹۶).

نتیجه گیری

مدیریت امری ضروری برای دستیابی به توسعه در هر کشوری است و اساساً توسعه بدون مدیریت، منجر به ناهماهنگی بین مولفه های مختلف شده و باعث آسیب پذیری و تضعیف روند توسعه شهری می شود. این امر مهمترین عامل در حیات رشد و

¹ Beegle

² basu

بالندگی یا فروپاشی یک جامعه است که روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند، اگر یک شهر به شیوه ای اداره شود که هم شهر و هم شهروندان در شرایط مطلوبی باشند می توان گفت که مدیریت شهری موفق بوده است. از این رو از امور اساسی که باید در مدیریت کلان شهری مورد توجه جدی دست اندرکاران قرار گیرد، کاهش آسیب اجتماعی است. از آنجاییکه عمده آسیب های اجتماعی بیشتر در درون و حاشیه شهرها رخ می دهد، نمی توان از نقش مدیریت شهری در کاهش و رفع آن ها غافل بود. شهرهای امروزی به ویژه کلانشهرها، بیشتر درگیر آسیب هایی هستند که سلامت جامعه شهری را به خطر می اندازد. در یک شهر معمولاً فرمانداری، شهرداری، شورای شهر در شکل دهی و اداره شهر نقش دارند و سایر نهادهای دیگر در بخش های مختلف به نحوی در فرآیند مدیریت شهری نقش دارند لذا تعامل سازنده و آگاهانه این بخش ها و استفاده از تخصص و مهارت افراد می تواند در درست مدیریت کردن شهر نقشی داشته باشد.

مجموعه مدیریت شهری به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی و خدمات رسان که مورد وثوق شهروندان است، می تواند با اقدامات فرهنگی و تربیتی، ایجاد فرهنگ شادی و نشاط، فراهم نمودن زمینه های اشتغال و کارآفرینی، توسعه فعالیت های عمرانی هدفمند، ایجاد و تقویت زیرساخت های شهری و اجتماعی، فراهم نمودن امکانات اولیه برای سکونتگاه های غیر رسمی ... آسیب های اجتماعی را کنترل و یا کاهش دهد و از این نظر به رشد و تعالی مادی و معنوی جامعه کمک کند. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان امور اجتماعی، شهرداری ها با اختیار داشتن فضاهای عمومی مثل بوستان ها، ورزشگاه، فرهنگسراها و نظایر آن، سازمان های مهمی در مقابله با آسیب های اجتماعی به شمار می روند. چنین نهادی باید با استفاده از ظرفیتهای، تعامل و همیاری سازنده دیگر شرکای اجتماعی حمایت و پشتیبانی شود تا با مشارکت شهروندان به اهداف اجتماعی خود برسند. بنابراین لازم است تا برنامه ریزی برای جلب مشارکت، حضور آگاهانه و معنادار ساکنین در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، شهری، اقتصادی، رفاهی و امثال آن در مقیاس محلی در دستور کار مدیران قرار گیرد.

منبع:

- ایمانی جاجرمی، حسین، فیروزآبادی سیداحمد (۱۳۸۶) بررسی مدل های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان های مدیریت شهری و روستایی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۳۲، از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۱۱، بهاء محمد (۱۳۹۵)، نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب های اجتماعی (اعتیاد) آوای همیاری، شماره ۹، پبله وری، نازنین (۱۳۹۴) ارائه الگویی جهت ارزیابی حکمرانی خوب شهری (شهرداری منطقه ۱۰) پژوهش های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۵، شماره ۴، سجاسی قیداری حمدالله، حاجیان، نرگس (۱۳۹۷)، ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخصهای حکمروایی مطلوب نمونه موردی: روستاهای توابع شهرستان چناران، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۷ صص ۲۰۸-۱۹۱، قادری صلاح الدین، فاضلی محمد، پاک سرشت سلیمان (۱۳۹۵) راهبردهای محله محوری و توسعه محله ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان، نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)، شماره ۱۴، صص ۵۷-۸۸ حمیدرضا یزدانی و رضا یازلو، «تحلیل نگرش های فرهنگی خانواده در حوزه آموزش کودکان کار و خیابان»، فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ، ۱۴۰۱، دوره اول، شماره ۴، ۶۷-۷۹